نسیم جنوب

www nasimjonoub COM

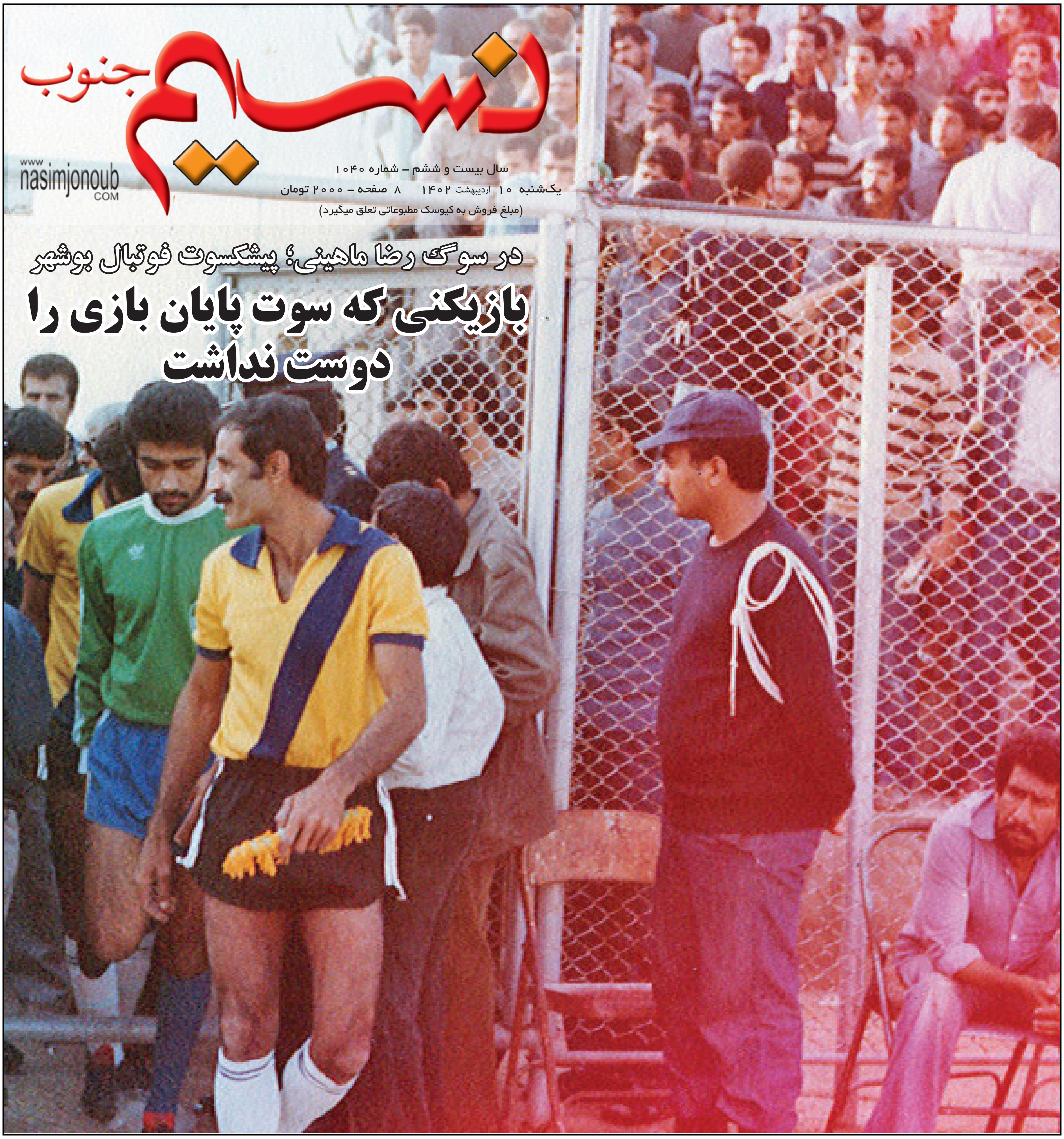
سال بیست و ششم - شماره ۱۰۴۰

یک‌شنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۲ ۸ صفحه - ۲۰۰۰ تومان

(مبلغ فروش به کیوسک مطبوعاتی تعلق میگیرد)

در سوگ رضا ماهینی؛ پیشکسوت فوتبال بوشهر

بازیکنی که سوت پایان بازی را دوست نداشت



درستایش سه استاد

دانشگاه تهران - دانشگاه اکسفورد - دانشگاه قاهره

ابراهیم مهدی زاده



به یاد زنده‌یاد نجف آهوچهر

نیم قرن خدمت در تعلیم و تربیت فرزندان این مرز و بوم

احمد عبداللهی



تأمل فلسفی درباب کتاب خوب

سیدقاسم یاحسینی



دستوری اشتباه از بالا برای مسابقات ورزشی بازنشستگان کشوری

پری صفازاده





یک بوشهری در لیست دانشمندان برتر جهان

با اعلام پلتفرم آکادمیک ریسرچ، سینا دوبرادران عضو هیئت علمی دانشگاه علوم‌پزشکی بوشهر در بین دانشمندان و محققین برتر جهان در شاخه علوم زیست محیطی قرار گرفت.

شهرداری‌های استان بوشهر چقدر بودجه دریافت کردند؟

مدیرکل امور مالیاتی استان بوشهر گفت: از محل عوارض ارزش افزوده، سال گذشته دو هزار و ۸۰۰ میلیارد تومان به حساب شهرداری‌های استان، دهیاری‌ها و روستاهای فاقد دهیاری واریز شده است. سال گذشته شهرداری بوشهر ۵۷۶ میلیارد تومان، برازجان ۴۴۶ میلیارد تومان، جم ۱۳۳ میلیارد تومان، کنگان ۲۰۱ میلیارد تومان، عسلویه ۹۵ میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان، گناوه ۲۲۳ میلیارد تومان، دیلم ۷۴ میلیارد تومان، خورموج ۱۵۵ میلیارد تومان، دیر ۱۰۹ میلیارد تومان و اهرم ۱۵۸ میلیارد تومان بوده است.

جمع‌آوری ۳۵ میلیارد تومان فطریه در بوشهر

مدیرکل کمیته امداد استان بوشهر گفت: ۳۵ میلیارد تومان زکات فطریه عام، سهم سادات، کفاره عمد و غیرعمد در استان بوشهر جمع‌آوری و به نیازمندان پرداخت شده است.

وعده جمع‌آوری متکدیان در بوشهر

فرماندار بوشهر گفت: یکی از مطالبات و دغدغه‌های مردم بوشهر حضور گسترده متکدیان در سطح شهر است که با برنامه‌ریزی انجام شده، و طرح جمع‌آوری متکدیان در بوشهر اجرا می‌شود.

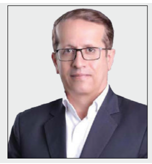
پنج گزارش مسمومیت دانش آموزان در مدارس استان بوشهر

مدیرکل آموزش و پروش استان بوشهر در خصوص مسمومیت‌های سریالی دانش آموزان دختر در مدارس گفت: پنج مورد گزارش در خصوص مسمومیت‌های سریالی دانش آموزان از مدارس استان بوشهر دریافت شد که سه مورد را می‌توان به یقین مربوط به جو روانی دانش آموزان اعلام کرد و در خصوص ۲ مورد مشکوک دیگر نیز تاکنون مراکز درمانی حکم به آلوده بودن قطعی نداده‌اند.

وی در خصوص طرح رتبه بندی معلمان عنوان کرد: در این راستا بیش از ۶ هزار حکم از استان بوشهر صادر شد.

موحدی بیان کرد: ۶ ملک غیر اوقافی و بدون معارض در شهرهای دشتی، دشتستان و تنگستان که پیش‌بینی کرده‌ایم در ۱۰ سال آینده در آن نقاط نیاز به مدرسه نباشد را برای فروش گذاشته‌ایم. درآمد حاصل از فروش این املاک به حساب نوسازی مدارس برای تکمیل مدارس نیمه تمام همان شهرهایی که املاک فروشی در آنها هست، واریز می‌شود.

وی با اشاره به وجود هزار و ۸۰۰ کلاس درس تخریبی در استان بوشهر گفت: بیشترین کلاس‌های درس تخریبی به ترتیب مربوط به شهرستان بوشهر با ۴۷۰ کلاس درس تخریبی، تنگستان، دشتی و دشتستان است.



رئیس شورای اسلامی شهرجم:

افزایش قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی مغایر با شعار سال است

نمایندگان مجلس شورای اسلامی با اصلاحیه قانون ماده (۵) قانون بیمه های اجتماعی کارگران ساختمانی (مصوب ۱۴۰۱/۱۱/۵ مجلس شورای اسلامی) سهم سازمان تامین اجتماعی را به چهار درصد دستمزد ماهیانه کارگر برای هر متر مربع ساختمان افزایش دادند.

علیرضا سجادی رئیس شورای اسلامی شهر جم از افزایش قانون بیمه های اجتماعی کارگران ساختمانی گلایه کرد و خاطر نشان ساخت : این افزایش سرسام آور با توجه به شرایط اقتصادی مردم مغایر با شعار سال می باشد.

رئیس شورای اسلامی شهر جم افزود: شهرداری ها مستند به قانون بیمه اجتماعی کارگران ساختمانی مکلف هستند قبل از صدور پروانه ساختمان نسبت به اخذ تاییدیه از سازمان تامین اجتماعی اقدام نمایند. سازمان تامین اجتماعی تا قبل از اصلاح قانون ماده ۵ توسط نمایندگان خانه ملت با دریافت پانزده درصد (۱۵%) مجموع عوارض صدور پروانه نسبت به صدور تاییدیه به شهرداری ها اقدام می کردند .

ولی اخیرا با اصلاحیه قانون ماده (۵) بیمه های اجتماعی کارگران ساختمانی مصوب ۱۴۰۱/۱۱/۵مجلس شورای اسلامی سهم سازمان تامین اجتماعی به چهار درصد دستمزد ماهیانه کارگر برای هر متر مربع ساختمان افزایش پیدا کرده است.

رئیس شورای اسلامی شهر جم تصریح کرد: در شرایط فعلی کشور و تورم سرسام آور، این افزایش فشار بسیار زیادی بر مردم وارد می کند و در تعارض با شعار سال است که از سوی مقام معظم رهبری به " مهار تورم و رشد تولید " نامگذاری گردیده است، می باشد.

وی اضافه کرد از طریق شورای اسلامی شهر جم مکاتباتی با نماینده مردم در مجلس و سایر مسئولین داشته ایم و امیدواریم با درایت نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی این موضوع اصلاح شود.

بالاخره مجوز زیست محیطی ساخت پیست بین‌المللی قایقرانی بوشهر صادر شد



رئیس هیات قایقرانی استان بوشهر گفت: با وجود صدور مجوز زیست محیطی ساخت پیست بین المللی قایقرانی بوشهر اما فقدان اعتبار مانع از آغاز عملیات اجرایی این پروژه شده است.

مهدی زارعی در گفت وگو با ایرنا اظهار کرد: این پروژه در مقطعی با اعتبار ۵۷ میلیارد تومان قابل ساخت بود که اکنون اعتبار مورد نیاز برای پیست بین المللی قایقرانی در بوشهر ۲۰۰ میلیارد تومان شده است. عمده چالش تاخیر در احداث این پروژه در نبود مجوز محیط زیست بود.

رئیس هیات قایقرانی استان بوشهر ادامه داد: باتوجه به ظرفیت بی نظیر بوشهر برای میزبانی رویدادهای بین المللی قایقرانی امید است با نگاه ویژه زمینه برای رونق بیش از پیش این رشته ورزشی در استان بوشهر فراهم شود. این استان اکنون از قطب‌های اصلی کشور در رشته قایقرانی محسوب می‌شود که در نبود پیست بین المللی چشم انداز درخشانی برای فعالیت‌های این رشته وجود ندارد. استان بوشهر در بهمن ماه سال گذشته در دهکده گردشگری مرکز استان میزبان اردوی آمادگی تیم ملی با هدایت سرمربی برزیلی بود که انجام این اردوی یک ماهه رضایت عوامل برگزاری اردو را به دنبال داشت.ارتفاع مناسب آب و همچنین آب و هوای مناسب در نیمه دوم سال که عمده پیست‌های کشور در شرایط آب و هوایی بسیار سرد قرار دارند منجر شده تا بوشهر به ظرفیتی بی نظیر برای احداث پیست بین المللی قایقرانی تبدیل شود.

عملیات اجرایی پیست بین المللی قایقرانی در استان بوشهر نیمه نخست سال ۹۶ آغاز و مقرر شد طی یکسال به اتمام برسد، اما در این چند سال اجرای پروژه به دلیل مخالفت‌هایی از سوی محیط زیست معطل مانده بود.

کمبود داروهای حیاتی



عضو کمیسیون بهداشت با هشدار درباره افزایش مشکلات در حوزه دارو در ماه‌های آینده می‌گوید؛ پیش‌بینی این است که در ماه‌های آینده نه‌تنها مشکل دارو، بلکه مشکلات تجهیزات پزشکی هم به‌شدت اضافه خواهد شد. همایون سامه‌یح درباره وضعیت دارو در کشور و تغییر نکردن بودجه ۶۹ همت برای دارو و تجهیزات پزشکی گفت: «وقتی بودجه در مجلس تصویب شد، با توجه به اینکه قانون بودجه می‌شود، تغییر این قانون به‌سختی انجام می‌شود و راحت نیست. در سال‌های گذشته بودجه‌ای برای دارو و تجهیزات پزشکی اختصاص پیدا کرده بود که در سه‌ماهه آخر سال این بودجه تمام و با رایزنی‌هایی که می‌شد، سازمان برنامه و بودجه به اجبار مبلغی را در نظر می گرفت و مبلغی یا به دلار یا به ریال، مجددا تخصیص داده می‌شد.» او ادامه داد: «اما در حال حاضر تعداد داروهای کمیاب یا نایاب زیاد است و اغلب این داروها، داروهای اساسی هستند و در درمان بیمار بسیار حیاتی و موثر محسوب می‌شوند که متاسفانه کمیاب شده‌اند و مسئله را بغرنج تر کرده‌اند.»

وعده ایجاد ۲۵ هزار شغل در بوشهر در سالجاری

استاندار بوشهر گفت: برای تکمیل کادر عملیاتی پروژه‌های منطقه ویژه پارس‌جنوبی، این استان آمادگی جذب ۱۰ هزار نیروی آموزش‌دیده در قالب کارگر ماهر برای هفت رشته را دارد.

احمد محمدی زاده در گفت و گو با ایرنا اظهار کرد: بیشترین نیروهای آموزش دیده مورد نیاز پروژه‌های پارس جنوبی در رشته‌های لوله‌کشی صنعتی، انواع جوشکاری، قالب‌بندی، آرماتوربندی، فیتر، ابزار دقیق و برق صنعتی است.

وی افزود: با توجه به نیاز به کار این نیروهای آموزش دیده تلاش می‌شود حتی هزینه رفت و آمد آنها نیز تامین شود.

استاندار بوشهر تصریح کرد: جوانان با مهارت در شرایط جدید بیکار نمی‌مانند و فرصت شغلی برای آنها مهیا است. امروز فضای خوبی برای اشتغال جوانانی که دارای مهارت هستند در مراکز و شهرک‌های صنعتی فراهم شده است.

وی یادآور شد: در شرایط کنونی در بیشتر مراکز و شهرک‌های صنعتی استان بوشهر نیاز به نیروی ماهر وجود دارد اما نیروی لازم ماهر در بسیاری از این مراکز وجود ندارد. اشتغال جوانان بومی در صنایع نفت، گاز و پتروشیمی به عنوان یکی از مطالبات مردم به خصوص استان بوشهر باید مورد توجه ویژه قرار گیرد. در سال ۱۴۰۱ به لحاظ زیست‌بوم کارآفرینی در دولت سیزدهم تمام دستگاه‌های اجرایی موظف شده‌اند تعهد اشتغال خود را انجام و اطلاعات مربوط به شاغلان را در سامانه جامع اشتغال کشور بارگذاری کنند.

محمدی زاده ادامه داد: براساس آمار ثبت شده در سامانه رصد اشتغال استان بوشهر سال گذشته اشتغال ۳۰ هزار و ۵۰۰ نفر در این سامانه به ثبت رسیده است. این آمار نسبت به تعهد اشتغال ۲۱ هزار و ۶۷۴ نفر، ۱۴۰ درصد رشد نشان می‌دهد.

استاندار بوشهر گفت: براساس تعهد سال ۱۴۰۲ استانداران به وزارت کشور، ایجاد ۱۸ هزار و ۳۳۱ شغل هدف‌گذاری شده که با توجه به برنامه‌ریزی و تاکید در کارگروه اشتغال این رقم باید به ۲۵ هزار شغل در سالجاری افزایش یابد.

«غفلت از کودک» بیشترین کودک‌آزاری

سرپرست دفتر امور آسیب‌دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی کشور بالاترین موارد کودک‌آزاری گزارش‌شده به اورژانس اجتماعی را «غفلت از کودک» و «سهل‌انگاری» دانست.

محمدرضا حیدرهایی با بررسی آمارهای ثبت‌شده از کودک‌آزاری در سال ۱۴۰۱ گفت: «شیوع پاندمی ویروس کرونا موجب روند افزایشی در برخی آسیب‌های اجتماعی ازجمله کودک‌آزاری و همسرآزاری شده است به‌طوری‌که این دو آسیب نسبت به سال‌های قبل افزایش داشته‌اند.» او یکی از دلایل افزایش کودک‌آزاری و همسرآزاری‌ها را گسترش فعالیت اورژانس اجتماعی و خدمات بهزیستی و به‌دنبال آن افزایش آگاهی مردم نسبت به گزارش‌دهی دانست: «شیوع پاندمی کرونا موجب شد تا بسیاری از مشاغل از دست بروند و برخی پدرها شغل‌شان را از دست بدهند؛ از همین رو حضور دائم برخی پدران در خانه، آمار خشونت خانگی و کودک‌آزاری را افزایش داده است.»

به یاد معلم فرهیخته بوشهری؛ زنده یاد نجف آهوچهر

نیم قرن خدمت در تعلیم و تربیت فرزندان این مرز و بوم

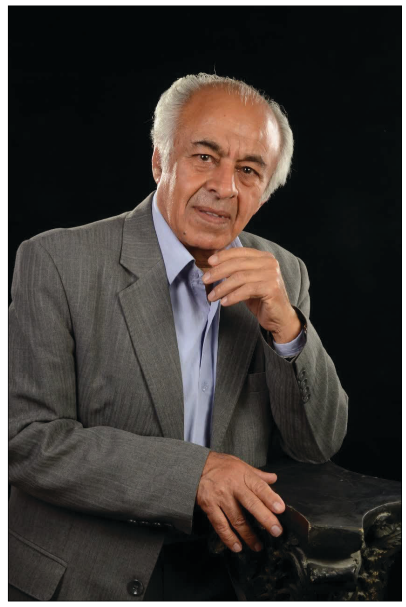
احمد عبداللهی

در هفته بزرگداشت معلم یادی کنیم از یکی از معلمان فرهیخته استان بوشهر زنده یاد نجف آهوچهر که نزدیک به پنجاه سال از عمر پربرکت خود را در کسوت آموزگاری، دبیری و مدیریت مدارس استان و شهرستان بوشهر صرف تعلیم و تربیت فرزندان این مرز و بوم نمود. به گفته خودش «پدرم به نام قنبر آهوچهر در روستای درازی از توابع شهرستان دشتی متولد می شود و در کودکی پدرش را از دست می دهد با وجودی که باغ و املاک در روستا دارد و شهرتش برگرفته از زمینی به نام آهوچهر در درازی است، مادرش باغ و املاک را رها کرده فرزند دلبندش را برداشته و راهی بوشهر می شود، او را به مدرسه می فرستد قنبر پس از پایان تحصیلات ابتدایی در شهربانی بوشهر استخدام می گردد. اما بعد از مدتی کار در شهربانی را رها کرده و در شرکت نفت آبادان، استخدام می شود که اولین فرزندش، نجف متولد آبادان است. استخدام در شرکت نفت نیز دیری نمی پاید که در وزارت فرهنگ و اوقاف و صنایع مستظرفه استخدام و محل خدمت وی در روستای لیلتین شهرستان دیلم تعیین می گردد».

نجف تحصیلات ابتدایی تا کلاس ششم را در لیلتین و دیلم گذرانید و چون دوره دبیرستان در دیلم نبود پدرش برای ادامه تحصیل فرزندانش، خود را به بوشهر منتقل نمود.

نجف تحصیلات در دوره اول و دوم دبیرستان را در دبیرستان های بوشهر ادامه داد و از دبیرستان ماندگار سعادت دیپلم گرفت. بعد از گرفتن دیپلم برای انجام خدمت سربازی در سپاه دانش به مرکز پیاده شیراز رفت. دوره آموزشی خدمت را در مرکز پیاده به پایان رسانید و برای ادامه خدمت آموزگاری در سپاه دانش به درگز استان خراسان رفت تا باقیمانده خدمت را در آن شهر بگذراند. وی ۲ ماه از خدمت خود را در درگز به تعلیم و تربیت فرزندان آن دیار پرداخت و بعد از پایان خدمت سربازی به استخدام رسمی اداره فرهنگ بوشهر درآمد و خدمت خود را از روستای بنه‌گز شهرستان تنگستان آغاز کرد و پس از چندی به بوشهر منتقل شد و در مدرسه پورسینای امامزاده، مشغول به کار شد. وی فوق دیپلم علوم انسانی را ضمن خدمت از مرکز تربیت معلم شیراز گرفت و در دبیرستان های شاهدخت و ایراندخت بوشهر تدریس نمود. ایشان در دی ماه ۱۳۵۳ برای ادامه تحصیل کارشناسی جغرافیا مأمور به تحصیل در اصفهان شد، در ضمن تحصیل چهار سال در دبیرستان وحید دستگردی تدریس نمود. وی پس از پایان تحصیلات دانشگاهی به بوشهر بازگشت و در دبیرستان های بوشهر به تدریس مشغول گشت.

بعد از چند سال تدریس اداره شهرستان بوشهر او را برای مدیریت دبیرستان نواب صفوی و بعد از سه سال به مدیریت دبیرستان ماندگار سعادت بوشهر منصوب کرد. ایشان بعد از مدیریت در دبیرستان سعادت در دبیرستان‌های طالقانی، فاطمه زهرا، شهید مطهری و شهید بابایی پایگاه هوایی هم تدریس نمودند و از سال ۱۳۶۵ به جهت اعتمادی که به ایشان بود ۱۷ بار به طور متناوب مسئول سالن مرکزی حوزه تصحیح اوراق امتحانی دبیرستان تعیین گردید. ایشان بعد از ۳۰ سال خدمت صادقانه که به افتخار بازنشستگی نایل آمد. نامبرده از سالی که بازنشست شدند تا سال ۱۳۹۱ مدیریت دبیرستان غیرانتفاعی دهخدا را عهده دار شدند که اینجانب به مدت ۱۲ سال در این آموزشگاه با ایشان دوست و همکار بودم. در این



مدت از تجارب گرانبها و رهنمودهای ایشان بهره‌ها بردم و از سجایای اخلاقی ایشان الگو گرفتم. وی در دوستی ثابت قدم بود اما در حیطه کاری ملاحظه هیچ کسی حتی نزدیکترین دوستان و نزدیکان را نمیکرد.

حقوقی که بابت مدیریت دو شیفته مدرسه دهخدا دریافت می کرد خیلی ناچیز بود وقتی به وی گفته می‌شد چرا با این حقوق ناچیز دو شیفت کار می کنی در جواب می گفت «موسس این مدرسه روزی به دردم خورده به پسرم علی الخصوص فیزیک تدریس نموده و ازم پول نگرفته و من تا آخر عمر بدهکارش هستم».

نجف در مدیریت مدرسه استاد و باصلابت بود و اجازه سوء استفاده به هیچ کس را نمی‌داد. خاطره‌ای برایم تعریف کرد که بیان آن خالی از لطف نیست؛ می گفت «در دبیرستان نواب صفوی در کلاس چهارم دبیرستان دانش‌آموزی داشتم که خیلی شلوغ بود و چندین بار از دستم تنبیه شده بود، در یکی از روزها که او را تنبیه کردم فحشی نثارم کرد که نشنیده گرفتم و به روی خود نیاوردم. اتفاقاً در پایان سال تحصیلی پدرش مُرد و در امتحانات نهایی در یکی دو درس تجدید شد. در شهریور به من که مشغول حوزه تصحیح بودم مراجعه کرد و با عذرخواهی و شرمندگی از



شلوغی و شیطنت‌ها در کلاس، گفت پدرم مرده اگر قبول نشوم به خدمت رفته و از تحصیل باز می‌مانم و سرپرستی خواهر و برادران خردسال را هم بر عهده دارم. که ما هم بررسی کردیم و قبول شد. یک سال بعد روزی متوجه شدم کسی در می‌زند، در را که باز کردم دیدم همان پسر ناآرام در کلاس چهارم است که بسته‌ای شیرینی در دست دارد به پایم افتاده و اظهار سپاس از قبول شدنش نمود که من او را بلند کرده صورتش را بوسیدم. پسر گفت: به لطف خدا و محبت شما در فلان اداره استخدام شده‌ام، که من هم اظهار خوشحالی نمودم و خدا را سپاس گفتم که دیدم ساکت شد و می‌خواست چیزی بگوید و روش نمی شد که بالاخره دل به دریا زد و گفت آقا یک عذرخواهی ویژه هم به شما بدهکارم. که گفتم حتماً بابت آن فحشی که در کلاس نثارم کردی؟ دیدم به گریه افتاد و های های می گریست و ساکت نمی شد. تا این که خودم او را آرام کردم».

موارد متعددی از ابتکارات آموزگاری و معلمی را برایم تعریف می‌کرد، از خاطرات آموزگاری سپاه دانش در سرخس خراسان و این که در آن جا رسم بود که اگر جوانی دختری را می‌خواست و پدر خانواده مخالفت می‌کرد و آن جوان دختر را می‌دزدید و به مدت یک ماه او را پنهان می‌کرد که خانواده دختر نتوانند او را پیدا کنند بعد از گذشت یک ماه پدر دختر وظیفه داشت بدون هیچ عذر و بهانه‌ای اجازه دهد دخترش با آن جوان ازدواج کند.

وی با دانش آموزان خاطی برخورد می‌کرد حتی اگر ولی دانش آموز خاطی در بالاترین مقامات دولتی و یا از افراد ذی نفوذ شهر بود.

به دلیل فشار کاری سکته به سراغش آمد و در بخش سی سی یو بیمارستان بستری گردید که با بهبودی به کارش در مدرسه دهخدا ادامه داد، چند سال بعد دوباره سکته کرد که عوارض آن لکنت زبان بود که تا آخر عمر برایش ماند. ایشان بعد از سکته دوم در سال ۱۳۹۱ از مدیریت مدرسه استعفا داد و موسس مدرسه دهخدا، مدرسه را تعطیل کرد.



با پرسنل و دانش آموزان مدرسه منحله دهخدا آموزشگاه دیگری به نام دبستان دکتر حسابی را عبدالله پوربهی با مدیریت عنایت الله قدیمی تأسیس کرد.

نجف بعد از استعفا از مدرسه بیشتر وقت خود را صرف شرکت در جلسات فرهنگی مختلف که در بوشهر تشکیل می‌گردید، می‌کرد که در خیلی از جلسات یکی از سخنرانان جلسه ایشان بودند.

ایشان در ۱۴۰۱/۷/۲۵ به همراه همسرش جهت زیارت قبر امام حسین و شهدای کربلا عازم عراق گردید پس از بازگشت از عتبات عالیات با کاروان زیارتی از عراق در مسیر بازگشت، بیمار شد و در هندیجان حالش بد شد که او را به بیمارستان بردند و تا حدودی خوب شد و به بوشهر بازگشت ولی در ۱۴۰۱/۸/۴ دوباره بیماری وی با شدت بیشتری عود کرد که ایشان را به بیمارستان خلیج فارس بردند. بعد از چند روز درمان در بیمارستان برای ادامه درمان به بیمارستان «ام آر آی» شیراز منتقل شدند و مدت زیادی در آن بیمارستان تحت مداوا بودند که متأسفانه تلاش‌های پزشکان و کادر درمان موثر واقع نشد و در ۱۴۰۱/۹/۲۶ رخ در نقاب خاک کشید و به ملکوت اعلاء پیوست و جامعه فرهنگی بوشهر یکی از پیشکسوتان دلسوز فرهنگی خود را از دست داد. وی در قطعه هنرمندان قبرستان عمومی بوشهر در آغوش خاک سپرده شد.

روحش شاد و یادش گرامی باد.

زندگی آگاهانه

مهارت سکوت

حسین زیرراهی

- مدرس مهارتهای توسعه فردی



سکوت از مقولاتی است که هم از دیرباز مورد توجه اصحاب معرفت بوده و هم امروزه در حوزه دانش رشد و توسعه فردی مورد توجه قرار دارد. این‌که شیخ اجل سعدی باب چهارم از کتاب گلستان را به فواید خاموشی اختصاص داده است نشان از ارزشمندی این ویژگی در فرهنگ ما دارد. امروزه هم در مباحثی مانند ارتباط موثر، تفکر نقاد و کوچینگ بر فواید سکوت بسیار تاکید می‌شود و حتی یکی از مهارتهای اصلی تخصص کوچینگ یا مربیگری است.

چرا تمایل داریم بیشتر بگوییم و کمتر بشنویم؟ بزرگان حوزه موفقیت معتقدند موفقیت چیزی بیشتر از عقب انداختن لذتهای آنی برای کسب لذتهای بزرگتر در آینده نیست. این تعریف از موفقیت در مورد سکوت و سخن گفتن هم صادق است. ما بصورت ذاتی دوست داریم هر آنچه می‌دانیم را با دیگران به اشتراک بگذاریم. لذت اظهار فضل، مورد توجه قرار گرفتن در جمع و احساس دانایی کردن باعث می‌شود حتی در زمینه‌هایی که تخصص نداریم هم سخنرانی کنیم. ولی این صرفا لذتی آنی است و در درازمدت برای ما نتیجه عکس به بار می‌آورد.

پرگویی و کم‌شنیدن چه تاثیری بر زندگی ما دارد؟ سکوت تاثیر مستقیمی بر روابط ما دارد. همان‌طور که ما دوست داریم همواره سخنگو باشیم تا شنونده، دیگران هم همین میل را دارند. بنابراین وقتی بیشتر از آن‌چه لازم است صحبت می‌کنیم در واقع داریم بخشی از زمان و حق دیگر طرفهای گفتگو را غصب می‌کنیم. آن‌ها احساس خوبی به ما نخواهند داشت و حتی ممکن است به حرف‌های ما گوش هم نکنند. در عوض وقتی با سکوت خود به دیگران اجازه صحبت می‌دهیم آن‌ها به ما احساس به مراتب بهتری خواهند داشت. ضمن این‌که در کل از شخصیت ما به عنوان فردی پخته یاد می‌شود.

سکوت دروازه دانایی است. وقتی ما در حال سخن گفتن هستیم دیگر گوش‌های‌مان چیز زیادی نمی‌شوند و در نتیجه جزیی از زمان یادگیری و کسب دانش جدید ما به حساب نمی‌آید. در عوض هنگامی‌که در جمعی سکوت می کنیم در واقع داریم دانش دیگران را کسب می‌کنیم. موپاسان نویسنده فرانسوی می‌گوید به یکی از خیابان‌های پاریس بروید همه راننده‌های تاکسی با هم یکسان‌اند. ولی وقتی پای صحبت هر کدام از آن‌ها می‌نشینید با دنیاهایی کاملا متفاوت آشنا می‌شوید.

سکوت خودآگاهی ما را هم بالا می‌برد. در زمانهای سکوت می‌توانیم به این‌که در آن لحظه چه فکر یا احساسی داریم، یا چه کاری داریم انجام می‌دهیم بیشتر واقف باشیم.

چه طور بیشتر سکوت کنیم؟ یک تمرین خوب این است که وقتی می‌خواهیم چیزی بگوییم احساس لحظه‌ای خود را نادیده گرفته و از خود بپرسیم آیا گفتن این حرف فایده‌ای برای خود و دیگران دارد؟

بدرود آقای گل

مهدی صالحی زاده - خبرنگار نسیم جنوب



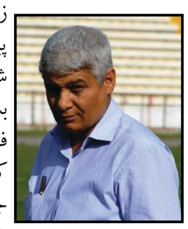
زنده یاد رضا ماهینی از نادر فوتبالیست‌هایی بود که سرعتی ایده آل داشت، قدرت پای او در هنگام شوت زدن تعجب همگان را برمی انگیخت. وی گل‌های زیاد و حساسی برای شاهین و منتخب بوشهر و... به ثمر رسانید. به قولی ما آقای گل بی‌نظیری را از دست دادیم. مرحوم رضا ماهینی از اخلاق خوبی برخوردار بود، او معمولا با روی گشاده و لبی خندان با همه برخورد می کرد، از محدود بازیکنانی بود که از جایگاه خود سوءاستفاده نمی کرد، خوش خُلقی زنده یاد باعث شده بود تا در دل مردم و اهالی فوتبال جای خوبی باز کند. روز خاکسپاری رضا ماهینی، حضور چشمگیر بوشهری ها و دیگر هم استانی ها در مراسم گویای این مهم بود.

در این شماره نسیم جنوب با توجه به نقش و جایگاه شادروان رضا ماهینی که از نسل دوران طلائی فوتبال بوشهر بود، به طور ویژه و از زوایای مختلف، پذیرای مطالب و سوگنامه دوستان و هم‌بازی‌ها و ورزش‌نویسان بویم، تا ادای احترامی کرده باشیم به ورزشکارانی که با وجود محرومیت وکمبودها، خاطرات زیبا و به یاد ماندنی را برای مردم بوشهر رقم زدند.

زنده یاد رضا ماهینی از جمله ورزشکارانی بود که در ایام دفاع مقدس خانه و کاشانه را رها کرده و به خیل رزمندگان وطن پیوست، به عنوان قایقران در جبهه های حق علیه باطل فعالیت کرد و از هرگونه عملیات سخت و دشوار ترسی نداشت. خداحافظ کاپیتان، بدرود آقای گل، بدرود رزمنده. روحش شاد و یادش گرامی و مانا باد.

شوت‌هایی ویران کننده و فرارهایی انفجاری

حسن غریبی مدیر رسانه ورزش بوشهر



زنده یاد رضا ماهینی از پیشکسوتان خوشنام مکتب شاهین بوشهر که سال های بسیاری برای اعتلای نام فوتبال بوشهر جانفشانی کرد، یادگار جام تخت جمشید و تیم برق شیراز با شوت هایی ویران کننده و فرارهایی انفجاری به همراه خاطرات ماندگارش از ذهن فوتبالی ها پاک نخواهد شد.

آقا رضا وقتی کفش هایش هم آویخت و در بازی مقابل ایران جوان از دنیای فوتبال خداحافظی کرد و فرزندش محمدرضا به جایش تعویض شد باز در تیم پیشکسوتان شهر بوشهر پابه توپ شد برایش دل کندن از فوتبال سخت بود و هیچ زمان از مستطیل سبز فاصله نمی گرفت ! آقا رضا ماهینی بعدازدوران طلایی فوتبال اش به جرگه مربیان تلاش گر پیوست و در امر بازیکن سازی برای فوتبال بوشهر کم نگذاشت. مربی گری در شاهین و در تورنمنت چهارجانبه بندرگناوه دهه هفتاد را از یاد نمی برم بازیکنانی همچون: محسن رنجبران، علی خدری، عبدالرضا ملاح زاده، علی اصغر کامیاب، سعید شکوریان، عبدالرحیم عیساوندی، سهراب بختیاری آزاد، سهراب ایرانزاد و... در آن مسابقات را رهبری می کرد بر روی نیمکت شاهین و چه خاطراتی که از این اسطوره ی ماندگار فوتبال بوشهر به یادگارباقی مانده است. مجموعه‌ی رسانه ورزش طی حیات این معلم اخلاق فوتبال بوشهر چندین بار از زحمات مرحوم تجلیل کرد.

بازیکنی که سوت پایان بازی را دوست نداشت

احمد خالق پناه



وداع رضا ماهینی از آن چه را که ما "زندگی" می‌نامیم اذهان خلایق را به گذشته ای برد که فوتبال و زندگی در هم تنیده بود. او بازی می کرد که زندگی کند و زندگی می کرد که بازی کند.

می‌گویند ورزشکار دو بار می‌میرد. روزی که با پیراهن سفید شاهین در بازی خداحافظی غبار اندوه بر چهره ی استخوانی اش نشسته بود، مرگ اول را تجربه کرد. بهت نگاه دیرباور او تابِ فراق نداشت. می خواست تا نفس باقیستَ بتازد. بتازد و جوانی کند، نه خدا عاشقی کند.

عاشقی را که چنین باده ی شبگیر دهند / کافر عشق بود گر نشود باده پرست

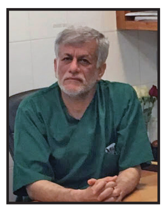
رضا ماهینی از جمله فوتبالیست هایی بود که با توپ بازی نمی کرد، با توپ عاشقی می کرد. برای رسیدن به معشوق، بسان آهو می دوید. به سرعت برق و باد. به غایت حریص بود. حریص توپ و میدان، تا شلیک کند و سقف دروازه را فرو بریزد. صدای سوت پایان را دوست نداشت. سوت پایان بازی را...

چه روزگار خوشی بود، حیف زود گذشت



رضا ماهینی و دوران طلایی زندگی‌اش

دکتر عبدالرحیم مهرور



در کوران زندگی هر انسانی فراز و فرودهایی است که نمی توان از آن‌ها بی خیال گذشت و رضا یکی از آن ماهینی‌های اصیل بوشهری بود که در زمان خود علاوه بر دریانوردی در صید و شکار ماهی در فوتبال هم صیادی ماهر بود که شهره و آوازه ای کشوری داشت.

دریانوردی قهار که بارها به تنهایی برای بدست آوردن آذوقه ای دل به دریا می زد و در مقطعی همسنگار همدیگر در دو جبهه دریا و تیم فوتبال شاهین بودیم. همسنگاری که بیشتر در آرامش طی طریق می کرد تا در شرارت و یا کدورت.

اما رضا در فوتبال استیل خاصی داشت راه رفتنش با طمأنینه و در سرعت غزال تیز پایی بود که کسی به گردش هم نمی رسید و با شوتهای سرکشش انگار موشکی در کنار گوشَت زوزه کشان عبور کرده و تیرهای دروازه‌ها را به لرزه در می آورد .

رضا خصوصیات دیگری هم داشت این‌که مهربان و در ادب دوست داشتنی بود و با لهجه شیرین جفره ای و طنزهای به موقع همه را میخکوب و یا به خنده وامیداشت. او هر کاری که دوست می‌داشت با توپ و تور می کرد، بازی شاهین با تیم سپاهان بود، رضا چند بار توپ به تیر دروازه کوبید مرحوم علی مصلح به سمتش رفت و گفت رضا چرا گل نمی زنی؟! رضا با یک حالت جدی و شوخی گفت گل خو کاری نی ! میخوام زیر تیلی بزنما نوامبت (نمیشه) !!!!

اما مهمترین شخصیت و هویتش در تیم فوتبال شاهین نهفته بود بگونه‌ای که ایشان معرفتی داشت بر گرفته از مکتب شاهین ایران که اکنون به یاران با وفایش از جمله پوربهی، زنگویی، گرانبها، تورانی، مصلح، ثابت، خواجه‌ئیان، برادرانش ماشالله و فیصل و ده‌ها نفر از زنده یادان دیگرش پیوست.

خاطره‌ای از بازی در خارگ

حمید چاهیبخش (اردلان)



در مورد رضا ماهینی که سابقه بازی در تیم‌های مختلف پاس، شاهین، برق شیراز، امید سنگی و مدت کمی هم در ایران جوان داشت، خاطره ای دارم در سال های ۱۳۴۳ و ۴۴ ایرانجوان تقریباً یک نسل جوان فعال داشت آن سال‌ها دور، ایران جوان شعبات زیادی در شهرهای اطراف بوشهر داشت از جمله قرار بود در خارگ ایران جوان فعالیت کند. رضا ماهینی هم به ایرانجوان پیوسته بود، مرحوم مهراب رودباری مؤسس بود، ما با هواپیما از بوشهر پرواز داشتیم که اتفاقاً عرفان خلبان هواپیما بود کاپیتان عرفان جزو بازیکنان اصلی شاهین تهران بود که به بچه ها خیرمقدم



گفت به هر حال بازی شروع شد. ایران جوان دو گل در چند دقیقه اول زد. مرحوم رضا عاشق گل زدن بود و به ما گفتند دیگر گل نزنید تیم مقابل و با همین نتیجه بازی نگهدارید. مرحوم رضا در جریان امر نبود زیاد تلاش می کرد و موقعیت گل که به وجود می آمد ما پاس رو به عقب می دادیم خلاصه مرحوم کبگانی تعویض زیادی انجام داد که به مذاق مرحوم ماهینی خوش نیامد و در برگشتن اوقات تلخی داشت و بعداً از دل او بیرون کردیم. مرحوم ماهینی در زمین فوتبال زوج خوبی با محمود میالویی بود و یک دو خوبی با هم داشتند. در ضمن مرحوم همیشه قهرمان دو صد متر در روز جشن های ورزشی استان بودند.

هرگز از یاد و خاطره فوتبال بوشهر نخواهند رفت

فرهادی امینی - پیشکسوت ایرانجوان



درگذشت زنده یاد مرد بی آزار وآرام و محبوب و محجوب فوتبال بوشهر وحامی همه تیم های بوشهر؛ آقا رضا ماهینی پیشکسوت شاهین، باعث غم و اندوه وتأسف بسیار گردید، رضا ماهینی ماهینی بی همتا وتکرار نشدنی، درعنفوان جوانی با جثه لاغر اندام و استخوانی خود، ازچنان قدرت بدنی و سرعت وتیز هوشی برخوردار بود، که شاید کمتر بازیکنی در بوشهر به پایش می‌رسید، داداش رضا ماهینی در زدن ضربات درحرکت و در حال سرعت بی نظیر بود، همواره دفاع و دروازه بان غافل می‌شدند و تنها نظاره گر ضربات مهلک و شلیک های بی نقصش زمانی به خود میآمدند که توپ به تورشان چسبیده بود و گره خورده بود، من نخستین بار درسال ۱۳۵۲ افتخار بازی کنار این مرد بزرگ و نامی شاهین بوشهر را داشتم.

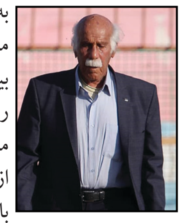
رضا ماهینی دارای خصایص انسانی وپسندیده بود، عاشق راستین ورزش فوتبال، شوق و ذوق و میل به بازی وتعصب به این ورزش را در دهه هفتاد سالگی هنوز در روحیه اش می‌توانستیم به وضوح ببینیم، رضا ماهینی مردی از خانواده بزرگ و خوشنام و اخلاق‌مدار بود، همواره به همه احترام می گذاشت وکسوت بزرگان بوشهر را حفظ می کرد، شاید درطول عمر با عزت خویش هیچ گاه دل کسی را نیازرد، زنده یاد رضا ماهینی بازیکنی بسیار دونده وسرعتی وگلزن بود، شوت های از راه دور ومهار نشدنی اش ازپشت محوطه هجده قدم وحتی از میانه میدان، من خود درجام تخت جمشید باتیم ایرانجوان بوشهر نظاره گر بودم، درکرمانشاه ضربه ای به توپ نواخت که وقتی به گل نشست همگان تا دقایقی درشوک بودند، عجبا با جثه لاغر اندام وفیزیک جسمانی و استخوانی اش همخوانی نداشت، و این مهم همه را حیرت زده میکرد، پیشکسوت دوست داشتنی فوتبال بوشهر همه دوستداران خود را غمگین و متأثر کرد، رضا ماهینی آقای گل سالیان فوتبال بوشهر، خود بمانند یگ گل زیبا و قشنگ چون گل شقایق عاشق به معشوق خود پیوست، روحش شاد و یادش گرامی. بهشت برین جایگاه ابدی شان.

مردان بزرگ چون رضا ماهینی ها هرگز از یاد و خاطره فوتبال بوشهر نخواهند رفت، همیشه زنده اند و با یادش خاطره‌سازی می کنیم.



عشقش تیم شاهین بود

محمدعلی (دلو) درویشی - پیشکسوت ایرانجوان



به خدا حیف شد که رضا ماهینی را ازدست دادیم. بیش از ۵۰ سال با هم رفاقت داشتیم. رضا خیلی مرد بود و حسابی بامرام. بعد از رفتن دیگر عزیزان حالا باید عزادار رضا ماهینی باشیم. او بازیکنی خوب، سرعتی و گلزن بود. اکثر مدافعان فوتبال به گرد پایش نمی رسیدند. او وقتی تماشاچیان شاهین را خوشحال می کرد انگار دنیا را به او داده بودند. عشقش تیم شاهین بود. همیشه دوست داشت برای این تیم گلزنی کند. خاطرات زیاد است و زندگی کردن با ورزشکاران به خصوص فوتبالیست ها همه اش خاطره است. خیلی دلم گرفته. به خدا حیف شد یک انسانی به تمام معنی را دیگر در بین خودمان نداریم. تا یادم نرفته بگویم که به نظر من بهترین گل مرحوم رضا ماهینی، گلی بود که در بوشهر به پرسپولیس تهران زد. خدایش بیامرزد.

افسوس برای ازدست دادن نابغه فوتبال

عبدالرضا عبدالله زاده - پیشکسوت شاهین



افسوس برای ازدست دادن نابغه فوتبال کشور، ایشان یکی از فوتبالیست های به نام تاریخ فوتبال بوشهر و ایران بود. مرحوم رضا ماهینی ویژگی های منحصر به فردی داشت. بسیار سرعتی، شوت زن و تلاشگر بود. او در امر گلزنی بسیار قهار بود. شوت هایی که در حال سرعت روانه دروازه حریفان می کرد علاقمندان را به وجود می آورد، بخصوص شاهینی‌ها.

در غم این عزیز، تنها به خاطراتش دل خوش کرده‌ایم. بنده خاطرات زیادی به آن فقید سعید دارم که همیشه در ذهنم هست و فراموش نمی کنم. خُلق و خوی خوبی داشت گاهی هم در مسابقات یا حتی تمرینات، قدری به هم می ریخت آن هم به خاطر اشتباهی بود که از طرف هم بازی هایش رخ می داد.



صراحت لهجه داشت و انتقاد بسیار دوستانه اش را به زبان می آورد و عکس العمل نشان می داد و صد البته همه از سر دلسوزی بود.

همیشه بنده را مورد تشویق خود قرار می داد. یادم هست که در یکی از مسابقات که چند توپ، خوب و سخت را مهار کردم، بلافاصله خودش را به من می رساند و مرا می بوسید و آفرین می گفت. متاسفانه خیلی از بزرگان فوتبال استان را در تیم‌های مختلف از دست دادیم.

مرحوم رضا به همراه برادر عزیزم جناب آقای احمد رزمی در تیم برق شیراز بازی می کرد و به تیم ملی دعوت می شد. روح عزیز تازه گذشته زنده یا رضا ماهینی شاد و برای همه سلامتی و طول عمر آرزو می کنم.

رضا ماهینی؛ یکی از بهترین فوتبالیست‌های بوشهر و حتی ایران

نادر اقدام



اگر نگاهی به آمار فورواردها و فوتبالیست های بوشهر از سال ۱۳۴۰ به این طرف داشته باشیم قطعا می توان یکی از بهترین های استان بوشهر و حتی ایران را رضا ماهینی دانست. فوتبالیستی تکنیکی که اگر به نوع بازی وی آشنایی داشتید و می توانستید او را در زمین تغذیه نمایید، یک تنه بازی را برایتان در می آورد. من و مرحوم تورانی دقیقا به نوع بازی و نگاه وی به موقعیت ها در زمین آشنا بودیم. روزهای بازی با ایرانجوان و شاهین، ما در ایرانجوان سعی بر آن داشتیم که مبادا از تورانی غفلت کنیم چون کافی بود که توپ از طرف وی به رضا ماهینی ارسال شود. همان یک غفلت کافی بود که رضا تور و دروازه و دروازه بان و هواداران حریف را به آتش بکشد و شادی را به سکوهای شاهین به ارمغان بیاورد. یکی از خصوصیات رضا حرکات انفجاری و فرارهای ویرانگری بود که کمتر دفاعی توان رقابت با وی را داشت و ۹۰ درصد از گل هایی که به تیم‌های حریف می زد به همین نحو بود. در هنگام حمله، به دروازه حریف زیاد نزدیک نمی شد که زاویه خود را تنگ کند. به محض این‌که امکان شوت برایش فراهم می‌شد شلیک توپ قدرتمند وی فایر می شد. تسلط وی بر روی ضربه های سرپاس یا والی (volley)* با هر دو پا در هنگام فرار بی نظیر بود. ماهیچه های وی از نوع سرعتی بود و چون دریانورد قدرتمندی هم بود فیزیک وی تلفیقی از این دو نوع ماهیچه بود.

به خاطر خصوصیات خوب اخلاقی هیچگاه در بازی خشونت از وی سر نمی زد. از آن دسته بازیکنانی بود که از شکست بیزار بود و در صورت حضور در زمین نهایت سعی و تلاش خود را برای پیروزی به کار می‌برد. در زمانی که فضا سازی و فضا شناسی در فوتبال بوشهر کمرنگ بود و کمتر فوتبالیست و مربی ای به این موضوع توجه داشت، رضا از اهمیت این موضوع به لحاظ سرعتی که داشت حداکثر استفاده را برای رهایی از دست دفاع ها انجام می داد واین مهم یکی از شگردهای وی بود. اگرچه تیم های حریف همیشه دو یا سه دفاع را برای مهار وی مامور می کردند ولیکن در هنگام فرار غیرقابل مهار بود.

در اینجا از گفته استاد شفیعی کدکنی وام می گیرم:

«مرگ او زندگی دوم بود که گردید آغاز

شیشه عطری سربسته افتاد و شکست

همگان بو بردند که چه چیزی را دادند از دست»

*والی=به معنی شلیک .نام ورزش والیبال از همین واژه است.



بازی خداحافظی با فوتبال در تیم شاهین بوشهر

کسی که فوتبال بوشهر را به ایران معرفی کرد

علی بکاء - سرمربی اسبق تیم ملی فوتبال هفت نفره ایران



متاسفانه فوتبال بوشهر عزادار شد. فوتبال بوشهر یکی از بزرگان خود را ازدست داد. خدا رحمت کند آقای رضا ماهینی را. او شناسنامه فوتبال بوشهر بود. کسی که فوتبال بوشهر را به ایران معرفی کرد. او در تیم های شاهین، برق شیراز و منتخب بوشهر از ارزنده‌ترین مهاجمان بود.

زنده یاد ماهینی واقعاً می توانست جریان بازی را به سود تیم خود عوض کند. اگر در فوتبال بوشهر بخواهیم چهار بازیکن نامدار را نام ببریم. قطعاً یکی از آن ها مرحوم رضا ماهینی است.

یادم می آید زمانی که رضا برای شاهین بازی می کرد کلاس درس را رها می کردیم وبه اتفاق بچه ها، بازی رضا ماهینی را تماشا می کردیم. رضا شوت زن با قابلیت بالا و بخصوص سرعت زیاد داشت. او جلو تیم های ایران، افتخارات زیادی برای شاهین و بوشهر به دست آورد. و این طور بگویم که تیمی با امتیاز از بوشهر بیرون نمی رفت.

مرحوم ماهینی اخلاق بسیار پسندیده‌ای داشت وبه همه احترام می گذاشت. رضا تعصب زیادی روی فوتبالش داشت و برای پیراهن شاهین می جنگید. متأسفانه امروزه از این دست بازیکنان کم داریم. روحش شاد و یادش گرامی باد.

با تلاش زیاد به موفقیت‌های بزرگی در فوتبال دست یافت

رضا بازیاری - پیشکسوت شاهین



آقای رضا ماهینی یکی از اسطوره های باشگاه شاهین و منتخب بوشهر بود و همیشه یادش ماندگار است. یکی از کسانی که تا فوتبال بوشهر هست نام رضا ماهینی هم جاودان خواهد بود.

من افتخار این را داشتم که در تیم های پیشکسوتان شاهین و منتخب بوشهر در خدمت ایشان باشم. او به جوان ها خیلی بها می‌داد و می گفت آن ها آینده ورزش خواهند بود. از لحاظ فنی نمره اش بیست بود و در بعد اخلاقی نیز عالی بود. او آرام و متین بود، به خصوص در تیم پیشکسوتان شاهین و منتخب بوشهر.

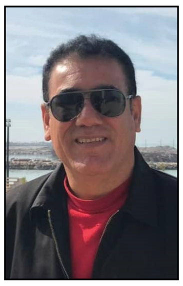
یک خاطره از رضا ماهینی دارم، زمانی که او می‌آمد سر زمین تمرین، بچه‌ها می گفتند که آقا رضا می خواهد از فوتبال خداحافظی کند این مسئله تا پنج سال ادامه داشت. امثال رضا ماهینی در بوشهر کم داریم. امید است جوانان هم استانی به خصوص بوشهری ها از این مرد بزرگ به خوبی الگوبرداری نمایند، چون آقا رضا خستگی را خسته کرده بود و با تلاش زیاد به موفقیت‌های بزرگی در فوتبال دست یافت.



قابل توجه سازمان ورزش و هیات فوتبال!

پیشکسوتان را ارج نهیم

رضا سیاهوشی - ورزشی نویس



کوچ عزیزی دیگر از جامعه فوتبال؛ همچنان امید می‌دارم که بعد از داغ هجر مرهمی بر دل نهد امیدوار خویش را رضا ماهینی هم از جمع یاران جدا گشت تا فقط یاد و خاطراتی از آن برجا ماند.

دوستان و اهالی فوتبال در مراسم تشییع، تدفین و ختم او، از اخلاق و بازی خوب وی تعریف و تمجید می کردند و از کوچ نابهنگام او اندوهگین بودند. «اندوهش غروبی دلگیر است».

پیشکسوتان، هم دوره ای ها، هم بازی ها و اهالی فوتبال از همه باشگاه ها حضور داشتند و در بدرقه «کاپیتان» همت گمارده و سنگ تمام گذاشتند.

وه که گر من بازبینم روی یار خویش را تا قیامت شکر گویم کردگار خویش را اما گله ای از سازمان ورزش و جوانان، هیات فوتبال وارد می باشد که چرا جایگاه واقعی و حرمت پیشکسوتان را آن چه شایسته آنان می باشد بجا نمی آورند؟!

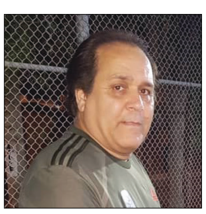
ای کاش حداقل بنری برای «جاوید نام رضا ماهینی» چاپ شده بود و یا حضوری پررنگ در مراسم آن عزیز سفر کرده داشتند!

غربت آن نیست که ندانند کجایی و بگیرند سراغت غربت آن است که بدانند کجایی و نگیرند سراغ... .

«ماهینی» رفت و خانواده وی هم واقعا متین، کم توقع و ساده زیست بوده اما ماهینی های دیگر داریم که بالاخره روزی عمر گران بهای آنان هم پایان خواهد یافت. پس؛ «پیشکسوتان را ارج نهیم» ما صلاح خویشتن در بی نوایی دیده ایم. هر کسی گو مصلحت بینند کار خویش را هرچند می‌بایست از باشگاه یا استادیوم تشیع میشد و دور زمین فوتبالی که همه وجود و زندگیش برای آن گذاشته بود، روی دوش هم قطارانش دورش می‌دادند! بدرود کاپیتان

مرگی که از او اسطوره ساخت....

ولید صفری



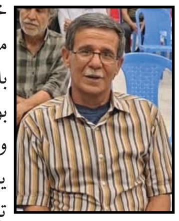
این روزها کوچه و پس کوچه ها خبر از فقدان عزیزانی به گوش می‌رسد که در بودشان هیچ خبر و آدرسی نبود و تا این که مرگ بر آن ها مستولی شد یه شبه تبدیل به اسطوره و شخصیتی های بی‌بدیل شدند. هر چند زندگی امروزی ما تحت تاثیر فقر، بحران و بداخلاقی ها قرار دارد، اما این بدعت نامروت گریبانگیر جامعه شده تا ما «مرده پرستی» را در صدر هویت مان قرار دهیم. هر چند هویت و شخصیت شادروان رضا ماهینی، آن مرد فقید و بزرگ ورزش بوشهر بر هیچ کس پوشیده نیست، اما رضا ماهینی و امثالهم در زمان حیات گم گشته‌ترین انسانهایی بودند که بی لقب در کنجی، منتظر اسارت در خاک بودند. به هر حال صحنه زندگی در تلاطم احوالی قرار گرفته که این روزها در تناقض و بی تفاوتی‌های گرفتار است.

پهلوان زنده راه عشق است.

روح آن فقید بزرگ ورزش استان شاد و قرین رحمت باد.

ستاره مثال زدنی فوتبال بوشهر

حیدر غلامِ نژاد – پیشکسوت فوتبال بوشهر



خدا رحمتش کند، رضا ماهینی انسانی خوب و بااخلاق بود. او مثال زدنی بود. خیلی برای فوتبال بوشهر و ایران زحمت کشید.

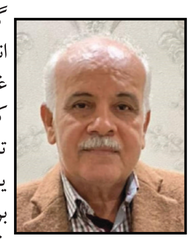
یادم می آید سال ۶۴ بود با تیم منتخب بوشهر جهت بازی های سراسر ایران به کرمان رفته بودیم. در آن جا و در حین بازی با تیم منتخب اراک، ضربه ایستگاهی نصیب بوشهر شد، او از وسط زمین چنان ضربه ای به توپ زد که دوربین به توپ نرسید و فیلمبردار برای پوشش این گل عقب ماند. خلاصه توپ آقا رضا زیر طاق دروازه اراک برخورد کرد و ما با همان یک گل پیروز شدیم. یادم می آید که چند روز بعد مجله دنیای ورزش، نوشت دود از کنده بلند می شود.

رضا از لحاظ اخلاقی عالی بود. همیشه با صحبت هایش دوست داشت خنده بر لب بازیکنان بیاورد، چه بیرون و چه داخل زمین با گفته هایش همه بازیکنان را شارژ روحی می کرد، به قول خودمان آن ها را «شیر» می کرد. روی همین اصل بیشتر مواقع موفق بودیم. یک روز که در حین مسابقه توپ های حریف را به خوبی مهار می کردم، آمد کنار من و گفت حیدر امشب میایی دم خانه ما و یک گونی آرد جایزه‌ات هست.

یادش به خیر چند سالی بود که احمد تورانی قبل آقا رضا از فوتبال خداحافظی کرده بود. رضا بعد آن می گفت مو مُردم و کسی نبید بعد از احمد سی مو پاس درست بده. مرحوم ماهینی استاد توپ های پشت دفاع بود. سرعت زیادی داشت و مدافعان را ۴ الی ۵ متر جا می گذاشت. دقتش در ضربه زدن به توپ بسیار دقیق و حسابگرانه بود. از مسئولین امر درخواست دارم قبل از این که پیشکسوتان از دارِ دنیا بروند از آن ها تجلیل شود و یادی از آن ها نمایند. کلام پایانی ام را با این جمله به پایان می رسانم: «رضا ماهینی ستاره مثال زدنی فوتبال بوشهر بود».

خاطره‌ای از رضا ماهینی در فوتبال جوانان بوشهر

عباس ارجمندی– پیشکسوت فوتبال



گل ناز و عزیز ِ پرپر ما / انیس و مهربان و سرور ما
غمین ودل حزینیم، چون که دیگر / نباشد سایه ی تو برسرما

یادش بخیر ، درتیم جوانان برق به مربی گری مرحوم غلام بوالخیری بودیم که با این تیم به مرحله نیمه نهایی فوتبال جوانان بوشهر رسیدیم و رقیب ما تیم فوتبال لیان بود. بازی مساوی تمام شد و کار به ضربات پنالتی رسید آخرین پنالتی به بنده رسید که منجر به گل نشد وتیم ما از رسیدن به فینال محروم شد و من در زمین نشسته و در حال گریه کردن بودم که یک لحظه احساس کردم از دو طرف دو نفر دستان مرا گرفته و قصد بلند کردن من را داشتند سرم را بالا به سمتشان بردم چهره پاک دوعزیز و دو فوتبالیست بزرگ شاهین را دیدم که یکی از آنها مرحوم آقا رضا ماهینی و دیگری آقای عبدالمحمد وفایی بود و دلداری این عزیزان در آن لحظه افتخار و قوت قلبی برای من بود که هرگز از ذهن وخاطرم محو نخواهد شد روح آقا رضا ماهینی بازیکن بی نظیر شاهین بزرگ شاد وتن عبدالمحمد وفایی چپ پای فراموش نشدنی شاهین بزرگ بسلامت باد.

متین، مؤدب و قهرمان سرافراز در فوتبال بود

محمدرضا محمدی – پیشکسوت شاهین

خبر کوتاه ولی سنگین، رضا رفت! خیلی سخت است عمری در کنار دوست زندگی کردن، فوتبال کردن از زیر و بم زندگی آشنا بودن. هنوز خودش را پیدا نکرده بود که در زندگی گم شد، و به سرای باقی شتافت. دهه چهل را می گویم در زمین فوتبال حافظیه با تیم برق شیراز بازی می کردیم.

مسابقه ۳ جانبه بین تیم های تابان بوشهر، برق شیراز و آبادان بود. توپی که از مهاجم برق شیراز دریافت کرده بودم و به وسط زمین شوت زدم که در نیمه دوم دایره وسط، رضا ماهینی ایستاده بود به محض دریافت توپ با روی پا استپ و سپس به شکل دارپ، توپ را به سقف دروازه برق شیراز چسباند.

از جمله کسانی بود که هرگاه توپش، یواش و آهسته به تور برخورد می نمود از نظر خودش توپ را گل محسوب نمی‌کرد. او می گفت، توپ باید مردانه و با شدت به تور دروازه اصابت نما ید.

از زندگی خیری ندید! مدتی پس از شروع زندگی زناشویی، خانمش به سرطان دچار شد و زندگی را بدرود گفت. در زندگی ورزشی آرام ولی موفق بود، هر از گاهی تیم فوتبال را عوض می کرد و تمام عمرش در شاهین، ایرانجوان و سکان بود و برق شیراز ایستگاه بعدی او بود.



متین، مؤدب و قهرمان سرافراز در فوتبال بود. روی خشکی، در زمین فوتبال و در دریا دوستان فراوانی داشت تا قداست و بزرگی خویش را به رخ دوستان بکشد.

«رضا» همان زندگی در زمین فوتبال را در زندگی دنبال کرد. بامرام، باوقار، ساده و بی آلایش، گذری آرام در زمین فوتبال گذری خاموشی در زندگی، انسانی رفتار نمود.

نادر بچه‌ای بود که این که زیست و چند روز زندگی را در ورزش طی نمود تا به پایان رسید. دستمزد این همه قداست و بزرگی معرفتی بود که مردم نسبت به این ورزشکار بدرقه نمودند.

البته در مکتب شاهین یاد گرفته بود که انسانیت شیرازه زندگی است، نه گل زدن. فیزیک بدنی رضا چنان بود که هیچ گاه به وزن بدنش اضافه و کم نمی شد. روزی که در شیراز با تیم برق شیراز مسابقه داشت «لیادین» گفت بچه ها امروز ظهر قبل از مسابقه کباب بخورند. او در جواب گفت آقای مربی اگر پلو قلیه ماهی نخورم نمی توانم در زمین مسابقه بازی کنم و دل درد می گیرم. لیادین گفت برای اولین بار در اختیار ورزشکار می گذارم که چی بخورد و حتی بیاشامد. و همین طور شد آن روز زنده یاد رضا ماهینی بهترین مسابقه را تجربه نمود و به تنهایی دو گل به ثمر رسانید.



گل به پرسپولیس از فاصله چهل متری

ابراهیم رفعت – پیشکسوت شاهین



آقا رضا بچه محله جفره بود، محله‌ای فوتبال خیز، چهار برادر دیگر آقا رضا همگی از فوتبالیست‌های خوب و بزرگ بودن که می‌توان گفت از خانواده ورزشی بودند. آقا رضا بسیار شوخ طبع بود و مهربان در زمین بازی بسیار به تیم مقابل احترام می گذاشت. از هیکلی لاغر اندام برخوردار بود و همین اندام بدن از او فوتبالیستی چالاک و سرعتی ساخته بود که به راحتی ۱۰۰متر را زیر ۱۰ ثانیه تمام می‌کرد و همین امر باعث شده بود که هر مدافعی را با سرعت بالایش دور بزنند، حتی مدافعان در سطح ملی و شاید بتوان گفت تنها مهاجمی بود که توپ در هوا را استادانه با یک شوت سهمگین به دروازه حریف می نواخت که اکثرا در چهارچوب دروازه حریف بود.



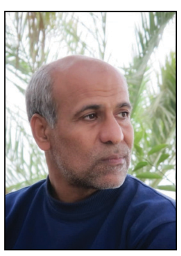
در حالت سرعت شوتهای سرکشی میزد که همیشه به گل تبدیل می‌شد، بنده این افتخار داشتم که مدتی در تیم شاهین همبازیش باشم و همچنین بعد از پایان بازیگریش مربی شاهین شدند که افتخار شاگردی این فوتبالیست بزرگ داشتم.

از خاطراتی که از ایشان دارم بازی دوستانه شاهین و پرسپولیس تهران سال ۶۲ توشهر بوشهر که در آن بازی شاهین سه به یک شکست خورد ولی تنها گل شاهین را آقا رضا از فاصله چهل متری با یکی از آن شوتهای مهارنشدنیش زد که وحید قلیچ دروازه‌بان آن روزهای پرسپولیس جز تسلیم شدن در برابر آن شوت چاره دیگری نداشت تا جایی که روی همان ضربه آقا رضا دست وحید قلیچ آسیب دید.



افسانه‌ای برای بچه‌های پابرهنه محلات بوشهر

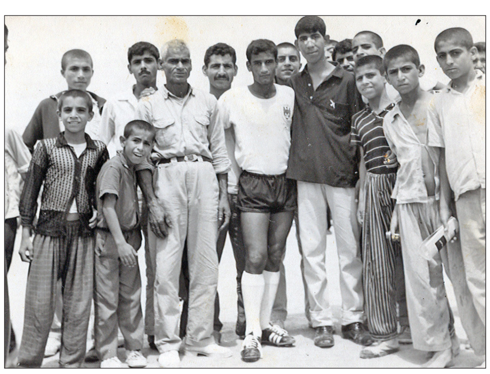
اردشیر ترک زاده – فعال رسانه ای



چپ طلایی بی‌نظیر نسل طلایی فوتبال بوشهر زنده یاد ماهینی را بدون تردید باید یکی ازبهترین بازیکنان تاریخ فوتبال بوشهردانست.

بازیکنی تکنیکی، سرعتی که از فاکتور قدرت بدنی بالا و تعصب بهره می برد، هنرمندی تمام عیار در مستطیل سبز فوتبال که تاثیرگذاری اش بر جریان بازی و کسب موفقیت های تیم های شعاع و شاهین بوشهر بی‌نظیر بود، راست و چپ پای طلایی تیم شاهین در میدان فوتبال مهلک ترین ضربات پای چپ تاریخ فوتبال بوشهر را به توپ وارد می کرد، او در دوران اوجِش گلهای بسیاری در استادیوم پیر فوتبال بوشهر درون دروازه های حریفان کاشت، افسانه‌ای که برای تمرین بچه‌های پابرهنه محله جفره و دیگرمحلات بوشهر شیرین‌ترین بود، یاد مهاجم قهار وگلزن فوتبال بوشهر آقا رضا ماهینی که محبوبیت کم نظیری نزد هواداران فوتبال بوشهر داشت برای همیشه در قلب بوشهریها جاودان خواهد بود.

درگذشت زنده یاد رضا ماهینی را به خانواده‌های محترم ماهینی، خانواده بزرگ فوتبال بوشهر و اهالی کوی جفره از صمیم قلب و جان تسلیت و تعزیت عرض می نمایم.



تا به حال کسی را این‌چنین عاشق فوتبال ندیدم

حسین حیدری - پیشکسوت ایرانجوان



خدا بیامرز رضا ماهینی را خیلی دوست داشتم. ایشان و و محمود ابراهیم زاده در فوتبال بوشهر و حتی در ایران تک بودند. البته در جفره بازیکنان بزرگی مثل کنگونی‌زاده، میالویی، رفعت و ... بودند ولی هیچ کس به پای رضا ماهینی نمی رسید. به جز چهارمحل، کرانه ساحلی بوشهر، جفره، ظلم آباد و جبری، حرف اول را در بازیکن سازی می‌زدند. مرحوم رضا اول در تیم شعاع، پاس و شاهین بود.

با این که ایرانجوانی بودم، تمرینات شاهین را به خاطر زنده یاد رضا ماهینی از نزدیک تماشا می‌کردم و از او خیلی چیزها یاد می‌گرفتم.

در تیم منتخب بوشهر که عضویت داشتم خیلی از نکات ریز و فنی به من گوشزد می‌کرد. رضا بهم می‌گفت اگر در تمرین، گل نزنی، نباید شب خوابت ببره، چون کار اصلی مهاجم گل زدن است و تو او را به خوبی انجام نداده ای.

باور کنید رضا ماهینی یکی از بهترین مهاجمان و شوت زن های ایران بود. او عاشق فوتبال و دو بود. تا به این سال (۷۵ سالگی) که از دنیا رفت، حسابی عاشق فوتبال بود تا به حال کسی مثل او عاشق فوتبال ندیدم. رضا حرفه ای زندگی می کرد و به بدن خودش می رسید. یادم می آید هنوز جام تخت جمشید شروع نشده بود که ۲۴ تیم منتخب ایران در امجدیه (شهید شیرودی) گرد هم آمدند یک بازی داشتیم با تیم منتخب کرمانشاه، وسط زمین مسابقه، یک خطا به سود ما اعلام شد رضا ماهینی از دایره وسط زمین توپ را مستقیم به سه کنج دروازه حریف زد که این بهترین گلی بود که در عمرم دیده بودم. فردای آن روز، روزنامه های کشور تیتر زدند که هنوز دود از کنده بلند می شود. هنوز گلی که رضا زد در هیچ کجای دنیا مشاهده نکردم.

مردی به تندی برق و باد

حسین وردیانی - پیشکسوت فوتبال



شیراز استادیوم حافظیه تمرین تیم برق؛ یادش بخیر در پیست دو و میدانی مرحوم سلمان بهبهانی که خود اصالتاً جنوبی بود در حال تمرین دادن جوان رعنایی بود که قرار بود در مسابقات دو ۱۰۰ و ۲۰۰ متر دانشجویان جهان شرکت کند. پسری لاغر اندام با کفش های میخی، پایان تمرین سنگین آن روز برق، رضا در پایان تمرین از سلمان پرسید: این جوان کیست؟ و چرا تمرین می کند سلمان با همان لهجه شیرین پاسخ داد: او را برای مسابقات دو سرعت دانشجویان آماده می کنم. رضا پرسید: آیا حاضر است با من مسابقه بدهد؟ سلمان گفت: حالا خسته هستی بگذار برای روزی دیگر، رضا قبول نکرد. سپس سلمان هر دو را در مرکز استارت قرار داد، جوان با کفش میخی و رضا پای برهنه، سلمان فرمان حرکت داد مسابقه ای دو نفره در پیست استادیوم حافظیه. رضا مانند برق و باد حرکت کرد و در خط پایان با حداقل جوان جویای نام را ۳ متر عقب انداخت و با لهجه شیرین بوشهری گفت «دیدی من بردم» و به جوان گفت: «بیشتر تمرین کن تا بتوانی قهرمان شوی». آری او همیشه سبک بال و تیز پای بود. یادش گرامی.

تأمل فلسفی در باب کتاب خوب

سیدقاسم یاحسینی



چند ماه پیش به دعوت جمعی از دوستان فرهیخته به کتابخانه خلیج فارس بوشهر (واقع در محله دواس) رفتم تا با آنان درباره «مفهوم کتاب خوب» صحبت کنم. برای آن‌که آن جمع را که حدود ۳۰ زن و دو مرد بودند، درگیر قضیه کنم، از تک‌تک آن‌ها خواستم تا برداشت و ذهنیت خودشان را از مفهوم «کتاب خوب» بیان کنند. چند نفر کتاب خوب را کتابی سرگرم‌کننده دانستند، جمعی کتابی پُرمحتوا، عده‌ای دیگر، کتابی عمیق، پخته، اصیل و چند نفر دیگر هم پاسخ‌هایی از این دست دادند. برای بیشتر درگیر کردن آن جمع، پرسیدم که مفاهیمی چون «سرگرم کننده»، «پُرمحتوا»، «عمیق»، «پخته» و «اصیل» را تعریف کنند! «سرگرمی» را خوب تعریف کردند! گفتند: کتابی که وقت ما را پُر کند و ندانیم زمان چطور سپری می‌شود.

اما من دست‌بردار نبودم. از تعریف مفاهیمی چون پُرمحتوا، عمیق، پخته و اصیل پرسیدم؛ اما به‌مصداق «چو عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل‌ها» تقریباً هیچ کدام نتوانستند پاسخ قانع کننده و خردپرسندی به این پرسش‌ها بدهند. برخی حتی از این ناتوانی کمی تا قسمتی عصبانی شدند و جلسه را به بهانه‌ای ترک کردند. همان موقع یاد نام یک کتاب و یک خاطره افتادم. یک عنوان کتابی از زنده‌یاد یدالله رویایی با عنوان «هلاکت عقل به‌وقت اندیشیدن» که برای نخستین‌بار در سال ۱۳۵۹ در سفری که به تهران داشتم، در خیابان انقلاب، جلوی دانشگاه تهران، پشت یکی از کتابفروشی‌ها آن را دیده بودم و از عنوانش تکان خورده‌بودم.

همچنین خاطره جالبی دیگری هم یادم افتاد که مربوط می‌شد به خواندن یکی از کتاب‌های افلاطون! نوجوان بودم که با راهنمایی دایی‌ام، کتابی از افلاطون به‌دستم رسید. کتاب طبق معمول دیگر آثار افلاطون، گفت‌وگوی سقراط بود با چند نفر درباره مفهوم «فضیلت»! همه ما روزانه ممکن است در مکالمات یا نوشته‌های خود از این کلمه استفاده کنیم یا آن را بنویسیم؛ اما اگر بخواهیم بسان سقراط/ افلاطون درباب معنی و مفهوم و حدود و ثغور همین یک کلمه بیندیشیم و به‌قول معروف مته به خشخاش بگذاریم، بسیار دشوار است به‌همین معنا و مفهوم «فضیلت» پاسخ بدهیم!

در آن جلسه از حضار خواستم مفهوم «خوب» را تعریف کنند. باز بازار تضاد عقاید گرم شد! هرکسی پاسخی داد که آن دیگری و البته من قانع نشد و نشدیم! وقتی کار به اینجا رسید، احساس کردم حضار جور دیگری به من می‌نگرند و احیاناً فکر می کنند دارم آنان را سرِ کار می گذارم یا قصد فضل‌فروشی دارم! ناچار بقیه برنامه‌ای را که برای به‌چالش کشیدن حضار داشتم، کنار گذاشتم و وارد بحث اصلی‌ام شدم. موضوع این است که اگر بخواهیم «کتاب خوب» را تعریف کنیم، باید اول از همه، باید مفهوم و کلمه «خوب» را تعریف کنیم؛ اما «خوب» برای چه فردی؟ در چه سنی؟ برای چه موضوعی؟ برای چه هدفی؟

تصور کنید دانش‌آموز کلاس ششم دبستان باشید. کتاب خوب برای چنین سنی کدام است؟ آیا همین فرد در سن شصت‌سالگی نیز همان کتاب، برایش کتاب خوبی است؟ آیا کتابی که برای یک دانشجوی رشته شیمی «کتاب خوب» است، همان کتاب برای دانشجوی رشته ادبیات یا فلسفه هم خوب است؟ آیا همان کتاب خوب برای آن دانشجوی رشته شیمی، زمانی که آن دانشجو ادامه تحصیل داد و دکترای رشته خود را گرفت و چند سال هم در دانشگاه تدریس کرد یا در یک مؤسسه تحقیقاتی به‌کار و پژوهش پرداخت، هم همچنان «کتاب خوب» تلقی می‌شود؟

اینجا اجازه بدهید یک تجربه شخصی را برایتان روایت کنم. دانش‌آموز کلاس سوم راهنمایی بودم که رمان «مادر» نوشتهٔ ماکسیم گورکی، ترجمه سروش حبیبی را خواندم و مثل هم‌نسلانم در آن زمان کلی هم لذّت بُرده و احساس انقلابی بودن کردم! شاید بیست سال گذشت. جهان و من تغییر کردیم. دوستی همین کتاب را این بار به‌ترجمه زنده‌یاد محمد قاضی به‌من امانت داد. با ولع شروع به‌خواندن دگرباره کتاب محبوبم کردم؛ اما باید اعتراف کنم هنوز به‌صفحه صد نرسیده بودم که احساس کردم دیگر کشش ندارم کتاب را بخوانم یا اگر بخواهم صادقانه عرض کنم، کتاب دیگر برایم کشش نداشت!

یک رمانی که زمانی در شمار «کتاب‌های خوب» من و هم‌نسلانم بود، در زمانی دیگر، حتی با ترجمه درخشان مترجمی برجسته چون محمد قاضی، نتوانست مرا جذب و جلب کند و همچنان برایم «کتاب خوب» باشد. چنین تجربه‌ای را بارها شخصاً تجربه کرده‌ام. اطمینان دارم شما هم این تجربه را داشته‌اید. به‌جایی رسیده‌ام که مثل آن مُقنی در کتاب «کویر» دکترشریعتی که نویسنده دلش نمی‌خواست دگرباره او را که حالا پیر و ناتوان شده بود ببیند، دیگر حاضر نیستم دگرباره کتاب‌های محبوب دوران نوجوانی و جوانی ام را بخوانم، زیرا می‌ترسم تجربهٔ تلخ رمان «مادر» برایم تکرار شود که بارها هم تکرار شده است.

دوباره برمی گردم به این پرسش که کتاب خوب، چه کتابی است؟ با گذشت سن و نشستن برف پیری بر سرم، یک راز بزرگ را کشف کرده‌ام که مایلم با شما خوانندگان در میان بگذارم. راز ساده و پیش پا افتاده‌ای هم است! در یک کلمه به‌شما عرض کنم که کتابِ خوبِ مطلق وجود ندارد! دقت بفرمایید عرض نَکردم «کتاب خوب» وجود ندارد، بلکه گفتم کتابِ خوبِ مطلق وجود ندارد؛ چون ممکن است که کتابی فَردی را دچار انقلاب روحی بزرگی کند، اما همین کتاب برای فرد دیگری هیچ جذابیت و جاذبه‌ای نداشته باشد. حتی چنان که در روایت تجربه شخصی خودم اشاره کردم، ممکن است کتابی در سنی برای یک فرد «کتاب خوب» باشد، اما در سن و سال دیگری، هیچ خوب و ارزشمند نباشد.

اگر بخواهم بحث را کمی فلسفی کنم، «خوب» یک امر ذهنی و سوبژکتیو است. خوب یک مفهوم ذِهنی است. مثل زیبایی! تصور کنید اگر انسان بر کُره زمین نباشد، خوب و زیبایی نیز وجود نخواهد داشت. خوب و زیبا برساخته‌های انسانی و اجتماعات انسانی است که در هر فرهنگ، دوره و تمدنی نیز تاریخی دارد. درست مثل خودِ «عقل» که به‌قول هگل تاریخ دارد، موضوعی که کانت متوجه آن نشد و از «مطلق عقل» گفت که چنین چیزی نداریم!

همه پدیده‌های انسانی، تاریخ دارند که این تاریخ، برای ذهن‌های سنتی حتی ممکن است غیرقابل قبول باشد. یک مثال ساده می‌زنم تا خوب بتوانم موضوع را جا بیندازم. شده که فردی از یک غذا خوشش بیاید و دیگری از آن بدش بیاید. «خوب» نیز چنین است. ما در خارج از ذهن مفهومی به‌نام «خوب» نداریم. خوب یک برساخته ذهنی است. بنابراین کتاب خوب هم نداریم! باید گفت: کتاب خوب برای چه سنی؟ چه ملتی؟ چه زمانی؟ چه حالی و چندین «چه»ی دیگر!

خوب بودن یک ذهنیت اکسپرسیونیستی است. درست مثل غروب آفتاب که روزی برای ما ممکن است زیبا و دل‌انگیز باشد اما مثل برق و باد زمان بگذرد و روز دیگر زشت و غم‌انگیز باشد و دقیقه‌هایش نیز چون سالی دیر بگذرد! خورشید و طلوع و غروب آن یکی است و میلیاردها سال است که این تکرار مدام و مستمر ادامه دارد، اما «حال» و «احوال» ما چی؟ حال و احوال شما چی؟

جمع‌بندی کنم! کتاب خوب وجود ندارد! و بسته به سن، حال، دانش، دیدگاه، حتی ملیت و جنسیت، معیار «خوب» بودن تغییر می‌کند. همچنان که «خوب» یک امر نسبی و ذهنی است، «کتاب خوب» نیز چنین است.

* خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) در بوشهر،

شبه جزیره بوشهر تاریخی ۸۰۰۰ ساله دارد

معاون میراث فرهنگی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان بوشهر گفت: یافته‌های باستان‌شناسی که به تازگی در شبه جزیره بوشهر انجام گرفته نشان می‌دهد این شبه جزیره، تاریخی هشت هزار ساله دارد و نباید بوشهر را محدود به چهار هزار سال قبل و دوره عیلامی دانست.

به گزارش ایرنا ابراهیمی اظهار کرد: برای مثال آثاری در شهرستان جم وجود دارد که مربوط به دوره "پارینه سنگی" و حدود ۲۰ هزار سال تاریخ دارد که این نشان از تاریخ طولانی خلیج فارس و پس کرانه آن است.

معاون میراث فرهنگی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان بوشهر گفت: وجود بقایای بنادر تاریخی در کرانه خلیج فارس نشان می‌دهد این آبراهه مهم استراتژیک همواره در مبادلات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نقش پررنگی داشته است.

ابراهیمی گفت: بندر تاریخی سیراف هم‌دوره بندر نجیرم، ریشهر، جنابه، سی‌نیز و مروان دارای ارتباطات تجاری با خاور دور و مناطق همجوار مثل بصره است و از مجموعه این بنادر این تنها بندر سیراف است که بعد از ۲ هزار سال به عنوان گل سر سبد بنادر، همچنان فعال زندگی در آن جاری و ساری است.

وی یادآور شد: امروز بندر سیراف به عنوان یکی از مهمترین قطب‌های گردشگری و مطالعات باستان شناسی در حوزه خلیج فارس به شمار می‌رود که باید با همت همه مسئولان محلی، استانی و کشوری زمینه ثبت جهانی این بندر تاریخی را فراهم کنند.

معاون میراث فرهنگی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان بوشهر گفت: براساس برنامه‌ریزی انجام شده قرار است موزه باستان شناسی در بندر سیراف راه‌اندازی شود.وی یادآور شد: در دور دوم سفر دولت سیزدهم به استان بوشهر، ۳۰ میلیارد تومان برای بندر سیراف مصوب شد که به محض ابلاغ، کارهای مطالعاتی ایجاد موزه و حفاظت و ساماندهی آثار تاریخی این بندر انجام می گیرد.

معاون میراث فرهنگی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان بوشهر با تاکید بر اینکه قلعه ریشهر یکی از بهترین سایت‌های باستان شناسی و گردشگری در دنیا است، افزود: این قلعه علاوه بر اهمیت و ارزش تاریخی ظرفیت عظیم گردشگری را ایجاد می کند.

هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر
تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
www.nasimjonoub.com

nasimjonoub.com
نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول وسردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰، دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷ فاکس: ۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷
تلفن همراه و واتساب: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان

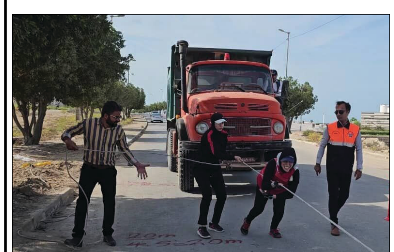


پاییز و زمستان غم‌انگیز شبکه بانکی؛

بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی فقط در ۵ ماه بیش از ۲ برابر شد!

بر اساس جدیدترین اعلام بانک مرکزی، بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی در انتهای بهمن ۱۴۰۱ به ۳۴۴ هزار میلیارد تومان رسید.
این در حالی است که این عدد در انتهای بهمن ۱۴۰۰ برابر ۱۸۶ همت بود و بنابراین رشد نقطه به نقطه ۸۵ درصد بوده است.
اما نکته عجیب‌تر اینکه در حالی که در نیمه اول سال گذشته این عدد در یک روند نزولی به ۱۶۶ همت در انتهای شهریور رسیده بود، فقط ۵ماه بعد و در انتهای بهمن این عدد با رشد ۱۰۷درصدی به ۳۴۴ همت رسید.
مساله‌ای که رفع آن همان‌طور که اخیرا رییس کل بانک مرکزی هم بر آن تاکید کرد، مستلزم این است که دولت خودش را تراز کرده و هزینه‌های جدیدی به سیستم بانکی تحمیل نکند و بی‌انضباطی برخی بانک‌ها کنترل شود.
/ اقتصادآنلاین

رکورد جدید حمل کامیون برای کتاب گینس در بوشهر به ثبت رسید



مشاور ثبت رکوردهای گینس در ایران گفت: در آستانه روز حمل و نقل، رکورد جدید حمل کامیون برای کتاب گینس توسط رزمی کار سابق تیم ملی در بوشهر به ثبت رسید.
اشکان دشمن‌زیاری در گفت و گو با ایرنا اظهار کرد: معصومه تاجیک رزمی‌کار سابق تیم ملی ایران موفق شد با کشیدن کامیون ۱۲ تن و ۲۵۰ کیلویی به طول ۳۰ متر و به شکل پیوسته رکورد جدیدی در ماده کشیدن کامیون بنام ایران با هدف ثبت در گینس از خود بر جای بگذارد.
وی افزود: این رکورد پیش از این در اختیار ناردیا استایلس از استرالیا بود که کامیون ۱۱ تن و ۳۵۰ کیلویی را در سال ۲۰۱۸ جابجا کرده بود.
مشاور ثبت رکوردهای گینس در ایران تصریح کرد: کلیه مستندات این رویداد به دفتر ثبت رکورد های جهانی (گینس) ارسال و پس از تایید نهایی، در روزهای آینده بنام ایران و معصومه تاجیک ثبت می‌شود.
دشمن‌زیاری ادامه داد: در ثبت این رکورد ورزشی از تلاش‌ها و حمایت وافر اداره کل راهداری و حمل و نقل جاده‌ای استان بوشهر کمال قدردانی می‌شود.





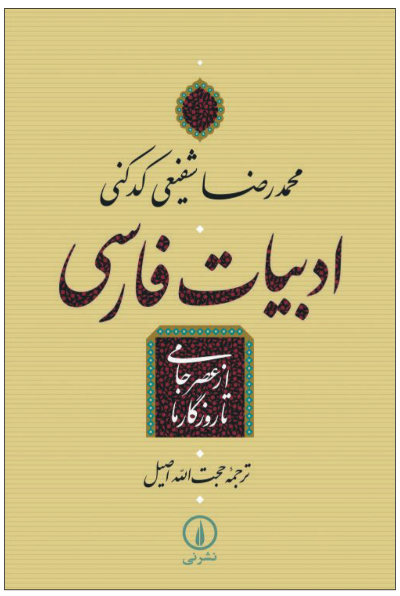
درستایش سه استاد

دانشگاه تهران - دانشگاه اکسفورد - دانشگاه قاهره

ابراهیم مهدی زاده

در برخورد کاری-آموزشی با دوستان عرب بعضا ازکشورهای مصر، اردن، سوریه، عراق، لبنان و کویت و کمتر اهل حوزهِ خلیج فارس، برای برقراری ارتباط عاطفی درجمع دوستانه چه درنمایشگاه GITEX دُبی و یا CEBIT هانوفرِ آلمان و یا نمایشگاه بین المللی الکامپِ تهران، بحث به ادبیات و هنر معاصر عرب کشیدهِ می‌شد. آنها از اطلاعات هرچند محدود ما ایرانی‌ها، از ادبیات داستانی و شعر معاصر جهان عرب، اظهار تعجب می‌کردند، از این‌که ما کتابهای نجیب محفوظ، ادنیس، نزارقبانی، نازک الملائکه، غاده السمان، احمد شوقی، البیاتی، محمود درویش... را خوانده‌ایم، اما اطلاعات آنها در مورد ایران محدود به خیام و حافظ و سعدی و فردوسی و چند نفری هم اهل فلسفه از قبیل ابن سینا، فارابی، ابوریحان بیرونی، شیخ اشِراق سهروردی و ابوحامد غزالی آن هم محدَود به برنامه آموزشی در دانشگاه یا مدارس یا در کتب درسی، بود و فراتر نمیرود و در همین حد متوقف مانده اند و هیچ اطلاعی از ادبیات داستانی و شعر معاصر و حتی سینمای پیشرو ما، هم ندارند. وقتی گله می کردیم، می گفتند متون فارسی به عربی ترجمه نمی‌شود. البته تا حدودی دلیل قانع کننده ای است. چرا؟ چون این ترجمه‌ها باید توسط روشنفکران و مترجمین اهل هنر آن سامان ترجمه، تا توده مردم از آن بهره مند شوند. این کوتاهی قابل گذشت نیست. یعنی همان کاری که مترجمین محترم ایرانی سالهاست بی وقفه و با تلاشی خستگی ناپذیر با هنر و دیگر متون فرانسه، اسپانیا، روسی، انگلیسی، چینی، ژاپنی، ارمنی، ترکی از جمله عربی ... انجام می‌دهند. در هر حال یا زمینه ضد ایرانی - سیاسی مانع آن است یا کم لطفی دوستان اهل هنر این چند کشور با سابقه تاریخی است. از کشورهای تازه هویت یافته حوزه خلیج فارس چندان انتظاری نیست، هر چند کشور کویت یک استثناء است.

با این مقدمه میروم سراصل موضوع. درچند سال گذشته کتابی مختصر اما کامل توسط دکتر شفیعی کدکنی با همکاری دکتر جورج موریس استاد دانشگاه اکسفورد بنام "ادبیات فارسی از عصر جامی تا روزگار ما" به زبان انگلیسی نوشته و در امریکا منتشر شده که توسط دکتر بسام ربابعه استاد دانشگاه قاهره - اردن، به عربی ترجمه و توسط مجلهِ"عالم المعرفه" کویت، در ۴۳۰۰۰ جلد درجهانِ عرب منتشر و پخش شده است. این ترجمه بعد از "بوف کور"هدایت درسال ۱۹۷۶ توسط ابراهیم شتا مصری و رمان "همسایه‌ها" احمد محمود توسط سلیم عبدالحمید حمدان مصری در سال ۲۰۰۳، سومین اثر، در معرفی جامع ادبیات داستانی و شعر معاصر ایران است که درجهان عرب مطرح و برای غیر فارسی زبان ها، در سال ۲۰۰۹ در اختیار فرهیختگان انگلیسی زبان و جهان عرب قرارگرفته است . نکته حائز اهمیت آن است این کتاب در برگیرنده تاریخ مختصر ادبیات داستانی ما از موسی نثری، صنعتی زاده کرمانی تا اولین مجموعه "یکی بود و یکی نبود" جمالزاده، صادق هدایت، بزرگ علوی، علی دشتی، محمد حجازی ...تا نمایشنامه نویسانی از قبیل دکتر ساعدی، بهرام بیضائی و اکبررادی است. ازهمه مهمتر شناسائی و معرفی شاعران انقلاب مشروطه از قبیل فرخی یزدی، عشقی، عارف، بهار، پروین اعتصامی و جایگاه شعر نو ایران و انقلاب نیما و شاگردانش از قبیل شاملو، اخوان، فروغ فرخزاد و سهراب سپهری است. از درخشان ترین مبحث آن تئوری، دیدگاه و فرازهائی از سخنان فروغ فرخزاد درسال ۱۳۳۹، درچالش با بیانیه رمانتیک ها و کهن سرایان و انتقاد او از کسانی که بر اوزان عروضی پای می‌فشردند، است که مورد توجه محافل حرفه ای شعر عرب قرار گرفت. شاید این کتاب برای کسانی که از تحولات "ادبیات نوین ایران" چه در زمینه ادبیات داستانی و چه شعر معاصر، بی خبر مانده، آموزنده و راه گشا باشد. باز تاب این ترجمه که مورد توجه فرهیختگان جهان عرب قرارگرفته بی سابقه است. در تمامی پایگاههای اینترنتی کشورهای مصر، اردن، عراق، تونس، سوریه، لبنان، کویت... این ترجمه قابل مطالعه و دسترسی است .



* این کتاب از انگلیسی به فارسی نیز توسط آقای حجت الله اصیل ترجمه شده است.
۱- ترجمه بوف کور ۱۹۷۶ مترجم ابراهیم شتا - قاهره.
۲- تاریخ قدیم ایران ۱۹۸۰ مترجم طه باقرفوزی - الهاهشمی قاهره.
۳- تاریخ ادبیات ایران ادوارد براون ۱۹۵۵ قاهره - مترجم ابراهیم الشورائی.
۴- تاریخ الادب الفارسی - محمد جعفر یاحقی: چون سبوی تشنه - مترجم ندی حسون ۲۰۰۵ دمشق.
۵- تاریخ ادبیات ایران - ادوارد براون -: از سعدی تا جامی: مترجم محمد الدین منصور - قاهره ۲۰۰۵.
۶- حکایات ایرانیه ، القصه فی الادب الفارسی - قاهره - داستانهای نویسندگاه معاصر - عبدالوهاب علوب ۲۰۰۵.
۷- ترجمه فیه مافیه - مولانا بلخی - مترجم عیسی العاکوب - دمشق- ۲۰۰۴.
۸- الجیران (روایه)- همسایه ها : احمد محمود - ترجمه سلیم عبدالحمید حمدان ۶۰۴ صفحه قاهره.
۹- تاریخ بیهقی - دمشق - ترجمه - یوسف الهادی ۲۰۰۴.
منبع: فصلنامه تحقیقاتی سازمان اسناد کتابخانه ملی سال دوم شماره هفتم - زمستان ۱۳۹۲ شمسی.

غزل

سیاوش دهقانی



مباد شمع دمِ باد، بی قرار شوی
کشیده مثل شهابی و بعد تار شوی

به جسم تو زند آفت که زیر خاک کنند
به نام نامیِ مرحوم نامدار شوی

مصیبتی بجلاند تو را که آب شوی
مریضی ای بترکاند تو را ، انار شوی

فرار رسم حیاتت شود ، و آخر کار
به چنگ روبهکی، کرکسی شکار شوی

نزاد مادرت اینگونه زیر خاک کنند
نداد نان پدرت لقمه های مار شوی

دستوری اشتباه از بالا برای مسابقات ورزشی بازنشستگان کشوری

پری صفازاده



همزمان با فراخوان شرکت در پنجمین جشنواره سراسری بازنشستگان کشوری، چشم‌مان به جدول و رشته‌های مختلف ورزشی که هم چون سال پیش از بالا بصورت دستوری اعلام شده، روشن شد که در بعضی از رشته های ورزشی انگار فقط خواسته اند خودی نشان بدهند که این رشته ورزشی هم ما نسبت به سال گذشته اضافه نموده ایم، ولی ای کاش امسال هم آن‌را را حذف شده می‌دیدیم. مثلا در رشته شنا که رکن اصلی ورزش ها می‌باشد، بجای سه رشته کرال سینه و پشت و قورباغه، فقط یک رشته در نظر گرفته اند؛ کرال سینه آن هم زیر ۶۵ سال، انگار برای کارکنان دولت مسابقات گذاشته اند نه برای بازنشستگان! در کشورهای مختلف سن بازنشستگی ۶۳ اعلام گردیده آن‌وقت یک بازنشسته فقط می‌تواند دو سال بعد از بازنشستگی در مسابقات کشوری ما شرکت کند، در صورتی‌که هدف از برگزاری مسابقات ورزشی بازنشستگان آن است که بازنشسته احساس پیری نکند، اما شما با این تصمیمی که گرفتید بازنشسته احساس سرخوردگی هم می کند که چون سن او از ۶۵ سال گذشته دیگر بدرد هیچ کاری نمی‌خورد.
اگر واقعا سن ۶۵ سال به بالا به درد نمی‌خورد پس چرا خیلی از مسئولین مملکتی ما بالای ۸۰ سال سن دارند و برای ما تصمیم می گیرند؟!
امیدوارم که مسولین مربوطه در بوشهر این درد دل ما را به مرکز انعکاس دهند.